



میرزا محمدجواد حسین‌آبادی؛ مجتهدی که خشم ناصرالدین شاه را برانگیخت

میرزا محمد جواد حسین‌آبادی از مجتهدانی بود که در سال 1304 هجری قمری از طرف ناصرالدین شاه از اصفهان به تهران فراخوانده شد و چندین سال به حالت تبعید به سر برد. علت تبعیدش، اقامه حدود شرعی در اصفهان بود که باعث خشم ناصرالدین شاه شد.

میرزا محمد جواد حسین‌آبادی از مجتهدانی بود که در سال 1304 هجری قمری از طرف ناصرالدین شاه از اصفهان به تهران فراخوانده شد و چندین سال به حالت تبعید به سر برد. علت تبعیدش، اقامه حدود شرعی در اصفهان بود که باعث خشم ناصرالدین شاه شد.

به گزارش خبرگزاری فارس از اصفهان، هر قسمت از تخت فولاد داستانی را در دل پنهان کرده و افسانه‌ای شنیدنی دارد، وجود مقبره یوشع نبی در تکیه لسان‌الارض این قبرستان بر این موضوع صحنه می‌گذارد، حکایت زندگی علمای بزرگ تشیع، نامداران و نام‌آوران مدفون در گوشه‌گوشه تخت فولاد، حکایتی شنیدنی است.

تخت فولاد در زمره گورستان‌های مهم ایران و جهان اسلام و دومین قبرستان تاریخی شیعه پس از قبرستان وادی‌السلام است که جمع زیادی از علمای تراز اول جهان تشیع، مشاهیر، ادبا و شاعران معروف در آن مدفون هستند و به همین جهت این گورستان، نمادی شاخص از هویت ایرانی در اصفهان است که سهمی از بارزترین دستاوردهای پیشین ادبی و فرهنگی را از گذشته‌های بسیار دور به نمایش می‌گذارد.

وارد تخت فولاد که می‌شویم، در صحن جنوبی تکیه مادر شاهزاده، در سردابه واقع در صحن جنوبی این تکیه، کنار قبری که حاج شیخ محمدباقر نجفی برای خود مهیا کرده بود، سنگ قبری بسیار ساده و فاقد سنگ نوشته‌ای دیده می‌شود که قبر آن مربوط به میرزا محمدجواد حسین‌آبادی است.

میرزا محمدجواد حسین‌آبادی پدر گرامی فیلسوف فطرت، استاد برجسته عرفان و اخلاق امام خمینی (ره)، مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی است.

ایشان در سال 1232 هجری قمری در شهر اصفهان متولد شد. پدرش میرزا محمد حسن نام داشت که دارای خطی بسیار زیبا بود و عمدتاً به کتابت قرآن کریم و متون اسلامی و نیز تابلوهای خطی اشتغال داشت.

ایشان مقدمات علوم را با همه فقر مالی بسیار در اصفهان گذراند و سپس با وجود مشکلات مالی فراوان، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف سفر کرد.

نقل است که در آن ایام، زمانی کفش‌های ایشان گم شد و او مدت زیادی را بدون کفش راه می‌رفت به طوری که توانایی مالی برای خرید کفش دیگری را نداشت. همچنین از حاج ملا علی کنی تهرانی که با ایشان هم دوره بود نقل شده است که ایشان فرموده بود من و میرزا محمدجواد بیشتر شب‌ها در حجره‌هایمان گرسنه می‌خوابیدیم.

کارشناس مسائل تاریخی و محقق تخت فولادشناسی درباره این شخصیت بزرگوار گفت: میرزا محمدجواد در نجف اشرف از شاگردان مورد توجه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و سید ابراهیم قزوینی، صاحب ضوابط‌الاصول بود و از صاحب جواهر به دریافت دو اجازه اجتهاد و نقل روایت نائل شد.

محمد یوسفی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در اصفهان اظهار کرد: میرزا محمد که از فقهای بزرگ زمان، متعصب در امر دین و مروج شریعت و در عین حال زاهد و صفات پسندیده بود، پس از اینکه به اصفهان برگشت، به تالیف و تدریس و همچنین امورات دینی و اجتماعی پرداخت.

میرزا محمد باقر خوانساری، صاحب «روضات‌الجنت» در اجازه‌ای که برای شیخ احمد، مجتهد بیدآبادی نوشت، از پدرش آیت‌الله میرزا محمد جواد با عنوان «البارع‌العلامه و الفقیه‌الفهامه» یاد کرده بود.

میرزا محمد جواد در سال 1304 هجری قمری از طرف ناصرالدین شاه از اصفهان به تهران فراخوانده شد و چندین سال در آن شهر به حالت تبعید به سر برد به طوری که علت تبعید او، اقامه حدود شرعی در اصفهان بود که خشم ناصرالدین شاه را

او در تهران به اقامه جماعت می‌پرداخت و در عین حال به وظایف دینی خود عمل می‌کرد.

از ایشان نقل شده که در بین راه ایشان تا مسجدی که در آن اقامه جماعت می‌کرد یک مشروب‌سازی قرار داشت که متعلق به فردی ارمنی بود و مشروب‌های دربار قاجار از آنجا تامین می‌شد. روزی ایشان به اتفاق جمعی از نمازگزاران وارد آنجا شدند و خود خمره‌های بزرگ مشروب را در چاه خالی کرد و مردم نیز بقیه شیشه‌ها را خالی کردند.

از شاگردان این فقیه تنها نام 4 نفر به ثبت رسیده است که عبارتند از فرزندانش، شیخ احمد مجتهد بیدآبادی، شیخ محمد علی شاه‌آبادی، سید هدایت‌الله چهارسوقی، فرزند صاحب روضات و حجت‌الاسلام سید حسن فانی‌یزدی.

ایشان همچنین تالیفات زیادی از خود به یادگار گذاشت به طوری که از مهم‌ترین تالیفات ایشان باید به «بحرالبعاء فی مصائب المعصومین النجباء» اشاره کرد که در چهار جلد به چاپ رسید. همچنین کتاب‌های «ترتیب خلاصه‌الاقوال»، «ترجمه نجاه‌العباد»، «الخرائن فی الفقه»، «الریاحین» در فقه استدلالی و «الرساله‌الحمدیه» از دیگر آثار این فقیه بزرگ هستند.

او در اجازه اجتهادی که برای فرزندش شیخ احمد مجتهد بیدآبادی نوشته، درباره تالیفات خود می‌گوید: تعداد آنان به قدری زیاد است که اگر تصریح به آن نماید ممکن است دیگران نگارش این تعداد را به دست یک نفر نپذیرفته و منکر آن شوند.

میرزا حسین‌آبادی تا پایان عمر به تالیف و تصنیف مشغول بود و با نشاطی عجیب از هر فرصت ممکن برای نگارش آثار علمی خود بهره می‌برد به طوری که کتاب «تربیت خلاصه‌الاقوال» را در سن 80 سالگی زمانی که در بستر بیماری بود، نوشت.

او در بخشی از این کتاب نوشته است: این ترتیب را در مجامع جلساتی که امکان مطالعه و تفکر فراهم نبوده، نوشته‌ام چرا که نگارش آن محتاج فکر و فراغت بال نبوده است.

نکته خواندنی دیگر اینکه علاقه او به علم و تالیف، سبب کناره‌گیری او از اجتماع و مردم نمی‌شد و همچنین انجام وظایف اجتماعی و شرکت در جلسات عمومی هرگز مانع از انجام کارهای علمی او نمی‌شد.

میرزا محمدجواد پس از حدود 6 سال اقامت در تهران تصمیم به زیارت کربلای معلی گرفت و به اصرار بستگان خود از جمله فرزند بزرگش میرزا احمد مجتهد بیدآبادی به اصفهان رفت تا پس از صلح ارحام به عتبات عالیات مشرف شود اما در اصفهان دچار بیماری شد و پس از 2 سال اقامت در آنجا در ذی‌القعدة سال 1312 هجری قمری به عالم بقا رحلت کرد و در تخت فولاد به خاک سپرده شد.